

مبحث- اول مفاهیم

یکی از مباحث مهم و کاربردی در تحقیق، برای فهم و درک بهتر و روشن شدن آن مفاهیم تحقیق است. از این جهت در مبحث اول به مفاهیم تحقیق پرداخته که در گفتار اول به مفهوم حقوق از نگاه لغوی و اصطلاحی، در گفتار دوم مفهوم اقلیت، گفتار سوم مفهوم دولت و گفتار چهارم مفهوم ملت، را مورد تحقیق و بررسی قرار می دهیم.

گفتار اول - مفهوم حقوق

از واژه‌ی حقوق، تعاریف مختلفی از سوی دانشمندان علم حقوق صورت گرفته است. این تعاریف مختلف ناشی از برداشتهای متخلف، تفاوت در نظام های حقوقی، سیاسی، اقتصادی، اجتماعی، فرهنگ، آداب، رسوم و عنعنات خاص می‌باشد. در ذیل به بررسی تعریف لغوی و اصطلاحی حقوق می پردازیم

الف- تعریف حقوق در لغت

حقوق که جمع حق است در لغت به معنایی «راستی‌ها، درست‌ها، وظایف، تکالیف و در فارسی به معنایی دستمزد نیز آمده است»¹

ب- تعریف حقوق در اصطلاح

حقوق در اصطلاح عبارت اند از: «مجموعه قواعد و مقرراتی که برای تنظیم روابط افراد و استقرار نظم در جامعه وضع گردیده و دارای ضمانت اجرایی کافی و موثر باشد که این ضمانت اجرا یادر خود آن مقررات هست و یابه وسیله‌ی دولت تأمین می گردد»²

¹معین، محمد، فرهنگ‌ی فارسی تهران، ادنا، چاپ چهارم جلد اول (1386).

²قدرت‌الله، و احدی، مقدمه علم حقوق، نشر: میزان، بهار، 1389، ص، 14.

گفتار دوم مفهوم اقلیت

در این گفتار که واژه اقلیت را از لحاظ لغوی و اصطلاح علم حقوق پرداخته ایم همچنان طبق معمول در ابتداء اقلیت را در لغت معنا کرده و ثانیاً اقلیت را از منظر دانشمندان تعریف می‌نمایم.

الف- تعریف اقلیت در لغت

در مفهوم لغوی، واژه اقلیت به معنای «کم بودن»، «قسمت کمتر» و در اصطلاح «گروهی از افراد یک کشور یا یک شهر می‌باشند، که از لحاظ دین و مذهب یا نژاد، از اکثریت متمایزباشند.³

ب - تعریف اقلیت در علم حقوق

اگرچه واژه‌ی اقلیت از آن دسته واژه‌های اندک دانشمندان بر سر تعریف آن اختلاف نظر دارند. معروفترین و مقبولترین تعریف که می‌توان گفت همه روی آن اتفاق دارند مانع و جامع‌ترین به نظرمی‌رسند، از آن (کاپورتی) گزارشگر ویژه کمیسیون فرعی منع تبعیض و حمایت از اقلیت‌ها می‌باشند. نامبرده اقلیت را این‌گونه تعریف می‌کند: «گروهی از نظر عددی کمتر از بقیه جمعیت کشور بوده و در موقعیت غیر حاکم قرار دارند این‌اعضاء با داشتن تابعیت آن دولت خصایص قومی، مذهبی یا زبانی متفاوت از دیگر افراد کشور دارند و هرچند به صورت ضمنی نسبت به حفظ فرهنگ، سنت‌ها و زبانی خودشان احساس همبستگی دارند.»⁴

³معین، محمد، فرهنگ‌ی فارسی تهران، ادنا، چاپ چهارم جلد اول (1386).

⁴عزیزی، ستار، حمایت از اقلیت‌ها در حقوق بین‌الملل، نشر، موسسه مطالعات و پژوهش‌های حقوقی، چاپ دوم، 1394، ص، 90.

با توجه به ارائه تعریف فوق از مفهوم واژه اقلیت می توان نتیجه گرفت که اقلیت اجتماع از شهروندان گفته می شود که به موجب داشتن ویژگی هایی، بخصوص خودشان از سایر گروه اکثریت جامعه تفکیک شوند، اقلیت در هر جامعه مردمان مظلومی هستند که هیچ گاه نتوانسته اند با ستمگران حاکم بر کشور تحت عنوان یک ملت قرار گیرند و از تمام حقوق شهروندی خویش برخوردار شوند، بلکه به عنوان شهروند درجه دوم از حقوق و آزادی های اساسی محروم مانده اند. حاکمان ستمگراقلیتها را بیگانه حساب نموده و با ظلم تبعیض با آنان رفتار می نمایند.

گفتار سوم - مفهوم دولت

در این گفتار فقط به مفهوم واژه دولت اعم از منظر لغوی و اصطلاحی می پردازیم که در ابتداء مفهوم دولت را در لغت معنا نموده و در مرحله بعدی معنای اصطلاحی آن را بیان خواهیم نمود.

الف- تعریف لغوی دولت

مفهوم لغوی دولت آنچه که «بگردش زمان و نوبت از یک بدیگری برسد و گردش نیکی بسود کسی دارایی، ثروت، مال به کار رفته است. در اصطلاح سیاست، زمان سلطنت و حکومت بر یک کشور و نیز هیئت وزیران، نخست وزیر نیز معنا شده اند».⁵

ب- تعریف اصطلاحی دولت

دانشمندان علم حقوق از مفهوم دولت هر کدام به زعم و عقیده خویش تعریف نموده اند که در این تحقیق کنونی صرفاً به یک تعریف بسنده می نمایم و از ارائه تعاریف از سوی

⁵ فرهنگ فارسی عمید. تهران، چاپ بیست نهم، 1383.

علمای حقوق ایراد شده اند جهت اطاله بحث می گردند ابا می ورزیم.

دولت در علم حقوق به معنای « شخصیت حقوقی جمعیتی است که در یک سرزمین به طور دایم ساکن بوده و دارای تشکلات منسجمی به نام حکومت و برخورداری از حاکمیت و استقلال است.»⁶ چنانچه از ظاهر تعریف فوق الذکر معلوم می شوند، دولت از شخصیت حقوقی، حاکمیت استقلال برخوردار است و براین مبنا می توانند با سایر دولت ها در اتباط بوده و با هم تعامل داشته باشند. و همچنین نیز دولت می تواند براساس حقوق بین الملل باهم دیگر معاهدات را به امضا رسانند و مالک اموال گردد. به عبارت دیگر اجتماع چهار عنصر شخصیت حقوقی دایمی به نام دولت را تشکیل می دهند. این چهار عنصر عبارتند از:

۱- مردم یا جمعیت ۲- سرزمین یا قلمرو ۳- حکومت یا تشکیلات دولتی ۴- حاکمیت یا استقلال.⁷

گفتار چهارم مفهوم ملت

گفتار چهارم تخصص یافته است به مفهوم ملت که در قدم نخست ملت را در لغت تعریف نموده در مرحله بعد ملت را در اصطلاح حقوق تعریف خواهیم نمود.

الف- تعریف لغوی ملت

مفهوم ملت در لغت به معنایی، شریعت، کیش، آیین پیروان یک دین، مردم یک کشور که از یک نژاد و تابع یک دولت باشند.

⁶ دانش، سرور، حقوق اساسی افغانستان، انتشارات مؤسسه تحصیلات عالی ابن سنا،

چاپ اول زمستان 1389، کابل، ص، 120

⁷ همان، ص، 119.

ب- تعریف ملت در اصطلاح علم حقوق

«دانشمندان در پاسخ به این پرسش که مفهوم ملت چیست، اتفاق نظر ندارند، عده‌ای که طرفداران مکتب اراده‌گرایی هستند، معتقدند که ملت تعدادی افراد تشکیل شده که به زندگی مشترک با یکدیگر تمایل دارند. اما طبق نظریه طرفداران مکتب موضوعی یا اصالت اعیان، تحقق وجود ملت متکی بر عوامل حقیقی است: جامعه مشترک تاریخی، نژاد، مذهب، زبان، فرهنگ، آداب و رسوم و آمثال آنها، به بیان بهتر، ملت‌گروهی از افراد هستند که در سرزمین مشخص سکونت داشته، پیوند‌های تاریخی و فرهنگی، آنان را به یکدیگر متصل می‌سازد»⁸

البته در مورد عناصر تشکیل دهنده ملت میان دانشمندان اتفاق نظر وجود ندارند. برخی معتقداند که ملت زمان شکل می‌گیرد عوامل پیوند دهنده مادی مانند نژاد، زبان، خویشاوندی و... افراد انسان را باهم متصل می‌کند و برخی دیگری هم بر این عقیده و نظر است که عوامل ذهنی چون تاریخ مشترک، فرهنگ مشترک اراده و آرمان مشترک و... باعث پیوند انسان باهم دیگر شده ملت را تشکیل می‌دهند.

مبحث دوم - پیشینه‌ی تاریخی حقوق اقلیتها

اگرچه از لحاظ تاریخی کامل نیست که مسأله حمایت اقلیتها مربوط کدام دوره و زمان می‌شوند ولی با وجود این هم هر کس این موضوع را به برهه از زمان نسبت می‌دهند. و می‌گویند حمایت از اقلیتها «از لحاظ تاریخی به دوران باستان و تأسیس امپراطوری‌های بزرگ بازمی‌گردد و به تدریج، در طول تاریخ جنبه‌های مختلفی، اعم از ملی، نژادی و خصوصاً دینی از ابتدای قرون وسطی بخود گرفته است. و لیکن علیرغم این سابقه دیرینه از اوایل قرن حاضر بود که

⁸ضیائی بیگلرلی، محمدرضا، حقوق بین‌الملل عمومی، تهران، نشر: گنج دانش، چاپ

حقوق بین‌الملل توجه خود را به این مسأله معطوف ساخت دلیل این امر بر داشتی بود که تا آن زمان از مسأله اقلیت‌ها می‌شد. پس از جنگ جهانی اول و دگرگونی چهره سیاسی اروپا بر اثر فروپاشی امپراطوری‌های روسیه، اطریش-مجارستان و عثمانی، مسأله اقلیت‌ها ابعاد جدید و در عین حال وسیعتری بخود گرفت: چون خواسته‌های اقلیت‌ها، خصوصاً اقلیت‌هایی که فراسوی مرزهای سیاسی پراکنده بودند، صلح و ثبات جامعه بین‌المللی را در معرض تهدید قرار می‌داد، اهمیت بین‌المللی آن نمایان گردید از آن پس حقوق بین‌الملل دیگر نمی‌توانست نسبت به این مسأله بی‌تفاوت باقی بماند».⁹

اما برخی دیگر باور دارند که مسئله حمایت از حقوق اقلیت‌ها در ابتداء تنها به «اقلیت‌های مذهبی محدود می‌شد که در آموزه‌ها و تعالیم مندرج در مذاهب مختلف، اصل برابری و برادری میان معتقدان به آن مذهب صرف نظر از نژاد، رنگ، پوست، زبان و قومیت مورد تأکید قرار گرفته است بنابر این مفهوم خودی و بیگانه تنها براساس عامل مذهب تعیین می‌گردید به عبارت دیگر پیروان دیگر مذاهب در عداد گروه اقلیت قرار می‌گرفتند. وجود نابرد باری و عدم تسامح علیه گروه‌های مذهبی در قاره‌ی اروپا و اعمال سیاست‌های سخت‌گیرانه و متعصبانه پاپ‌ها که غیر از مومنان به مذهب کاتولیک را رستگار نمی‌دانستند و آنها را مورد اذیت و آزار قرار داده و آزادی مذهبی دیگران را بسیار محدود کرده بودند، موجب شد تا پس از تحدید حاکمیت پاپ در معاهدات صلح وستفالی، مقرراتی در خصوص حمایت از اقلیت‌های مذهبی و تأمین آزادی انجام عبادت آنها تدوین گردد. در این زمان در ممالک اسلامی، اقلیت‌های مذهبی با توجه به مقررات فقه اسلامی از استقلال کامل درحوزه‌ی احوال

⁹ذوالعین، نادر، حمایت از اقلیت‌ها در حقوق بین‌الملل، مجله تحقیقات، شماره ویژه، ص، 4.

شخصیه برخوردار بودند. و غیر مسلمانان آزاد بودند که تابع مقررات مذهبی خود در اموری همچون ازدواج، طلاق، ارث وصیت و... باشند. حتی رعایت برخی مقررات کیفری اسلامی از جمله ممنوعیت شرب خمر در مورد غیر مسلمانان الزامی نبود در واقع فقه اسلامی در خصوص اقلیت‌های دینی دارای نظام حقوقی جامعی بود.

اولین بار در قرن هفده و هیجده هم برخی معاهدات حاوی مواد در حمایت از اقلیت‌های مذهبی بودن بین چندین کشور اروپایی منعقد شد که از جمله میتوان به معاهده وین در خصوص حمایت از آزادی های مذهبی اقلیت پروتستان ساکن ترانسیلوانیا میان حاکم این کشور و پادشاه مجارستان در سال 1606 اشاره نمود. معاهده صلح وستفالی نیز که بین فرانسه و امپراطوری مقدس روم و متحدان آنها انعقاد یافت حاوی مواد بود که به پیروان مذاهب کاتولیک و پروتستان در سرزمین های یک دیگر، آزادی مذهبی اعطا نمود.

از قرن نوزدهم به بعد اقلیت‌های غیر مذهبی نیز تحت پوشش و حمایت معاهدات بین‌المللی قرار گرفتند. سند نهایی کنگره وین که در تاریخ 9 ژوئن 1815 به امضای روسای کشورهای اتریش، فرانسه، بریتانیایی کبیر، پرتغال، پروس، روسیه، و سوئد رسید اولین معاهده مهم بین‌المللی است که نه تنها از اقلیت‌های مذهبی بلکه از اقلیت‌های قومی دیگر نیز حمایت به عمل آورد در اواخر قرن نوزدهم تحول مهم روی داد و بر اساس مصوبات کنگره‌ی برلین (مورخ 13 ژوئیه 1878) شناسایی دول جدید منطقه بالکان از جمله رومانی و بلغارستان به رعایت اصل برابری تمامی اقلیت‌های مذهبی، قومی، و نژادی در بهره مندی از حقوق سیاسی، مدنی و اقتصاد منوط گردید. بلافاصله پس از پایان جنگ جهانی اول، گروه‌های اقلیت به ویژه در قاره اروپا تحت نظارت جامعه ملل از حمایت بی سابقه‌ی برخوردار شدند. در این دوران دولتها برای کاستن از آثار منفی تخییرات و سيع مرزی در قاره اروپا و برخی نواحی دیگر جهان، نظامی را برای حمایت از

اقلیت‌ها پدید آوردند که شالوده اصلی فعلی نظام حمایت از اقلیت‌ها را در حقوق بین‌الملل کنونی شکل می‌دهند. نظام حمایت از اقلیت‌های جامعه‌ی ملل تا زمان شروع جنگ جهانی دوم بر روابط گروه اقلیت و دولت در کشور های مربوط حاکم بود»¹⁰

«قرن بیستم دوره احیاء و ترویج حقوق اقلیت شناخته شده است. نخستین رژیم حقوقی حمایت از اقلیت، پس از جنگ جهانی اول در چارچوب "جامعه ملل" مطرح شد. نظام جامعه‌ملل در این خصوص برای شناسایی وجود حقوق اقلیت و نیز برای مشروعیت بخشیدن به حمایت از اقلیت به عنوان دو موضوع مرتبط با حقوق بین‌الملل، اعتبار زیادی پیدا نمود. اما ضعف‌های عمده‌ی این امر این بود که نتوانست وضعیت جهان شمول پیدا کند، بدین سان از نظام "حقوق بشر" که بعد از جنگ جهانی دوم به وجود آمد، فاصله پیدا کرد. در اواسط قرن بیستم دوره حقوق بشر فردی آغاز گردید. در حالی که در دهه‌های بعدی پیشرفت‌های در زمینه تعریف حقوق اقلیت‌ها حاصل شد، نظام قانونی برای برخورد با بحران‌های اقلیت‌ها را دربر می‌گرفت مبهم باقی ماند. پس از پایان جنگ سرد و چالش‌های ایجاد شده در اتحاد شوروی سابق و یوگسلاوی سابق، اهمیت حقوق اقلیت یک بار دیگر خود را اجباراً در عرصه بین‌الملل نشان داد»¹¹

هرچند موضوع اقلیت ریشه در دوران باستان دارد و در آن برهه از زمان از اهمیت بخصوص برخوردار بوده است که تنها دامنه‌ی شمولیت آن به حمایت از اقلیت‌های مذهبی خلاصه می‌شدند و اقلیت‌های غیر مذهبی موضوعیت نداشتند. اما با مرور زمان از قرن نوزدهم به بعد دامنه شمول آن گسترده

¹⁰ عزیز، ستار، حمایت از حقوق اقلیت‌ها در حقوق بین‌الملل، ناشر: موسسه مطالعات و پژوهش‌های حقوقی، شهردانش، چاپ دوم، تهران، 1394، ص 21.

¹¹ مناقب، محمد تقی، جایگاه اقلیت در حقوق بین الملل. <http://manaqebi.blogfa.com>.

شد و اقلیت‌های غیر مذهبی را نیز تحت پوشش و حمایت معاهدات بین‌الملل قرار دادند ولی تا اوایل قرن بیستم گروه‌های مذهبی تنها موضوع حمایت از اقلیت‌ها بودن در نهایت پیش از بوجود آمدن سازمان ملل متحد و در زمان حیات جامعه ملل، بعد از جنگ جهانی اول یک سیستم و نظام حقوقی بین‌المللی برای حمایت از حقوق اقلیت شکل گرفت بدین صورت معاهدات که بین دولت‌ها و جامعه ملل بسته می‌شد وظایف و مسئولیت‌های تعیین می‌گردید به دولت و کشورهایی که در آنها اقلیت‌های وجود دارند نسبت به آنها عدالت تطبیق گردد و علیه آنان تبعیض روا ندارند. همچنین حق استفاده از زبان و مذهب خود را به آنها بدهد. لذا پس از جنگ جهانی دوم و تشکیل سازمان ملل متحد عمده اسناد در مورد حمایت از اقلیت‌ها به تصویب مجمع عمومی سازمان ملل متحد رسید که به نحو عام و خاص به حمایت از اقلیت‌ها پرداخته است از آن جمله می‌توان اشارت داشته باشیم به اعلامیه جهانی حقوق بشر، میثاق حقوق مدنی و سیاسی بنابراین قابل ذکر است اسناد فراوان جهت حمایت از اقلیت وجود دارند که در این جا از معرفی نام و عناوین آنها خود داری می‌نمایم ..

مبحث سوم- منابع حقوق اقلیت‌ها

منابع حقوق اقلیت‌ها به دو بخش قابل تصور است که یکی منابع عام حقوق اقلیت‌ها و دیگری منابع خاص حقوق اقلیت‌ها می‌باشند که در ابتدا به آن دسته از اسناد و منابع که به صورت عام پرداخته اند و در مرحله بعد به اسناد و منابع خاص که مختص مربوط حقوقی اقلیت‌ها می‌باشند در این مبحث هردو را به طوری مجزا از هم به آنها می‌پردازیم.

الف- منابع عام

در ابتدا سازمان ملل متحد صرفاً در سطح بین‌الملل به حمایت از افراد بشر اقدام نمودند که در این مورد اسنادی را جهت حمایت از حقوق ابناء بشر به تصویب مجمع عمومی

سازمان ملل متحد رساندند و باور داشتند که به موجب آنان حقوق اقلیت‌ها نیز رعایت و مورد حمایت قرار می‌گیرند. منابع عام حقوق بشر با پیش‌بینی اصل عدم تبعیض به صورت عام در برگیرنده اساس و پایه‌ای برای حمایت از حقوق اقلیت هستند اصل عدم پیش‌بینی شده در اسناد عمومی حقوق بشری با تأکید بر منع تبعیض بر مبنای ویژگی‌های همچون نژاد، رنگ، زبان و مذهب و ضرورت بر خورداری برابر همه افراد از حقوق بنیادین بشر تهاداب و یا سنگ بنای حمایت از اقلیت‌های نژادی، مذهبی و... راپیش‌بینی کرده است.

بنابراین اسناد عمومی که به صورت مشخص از اقلیت‌ها حمایت کرده و به موضوع حقوق اقلیت‌ها پرداخته اند از جمله می‌توان « کنوانسیون 1948 جلوگیری از کشتار جمعی، کنوانسیون 1965 رفع هرگونه تبعیض نژادی، کنوانسیون 1989 حقوق کودک و کنوانسیون 1960 رفع تبعیض در امر آموزش را نام برد و افزون بر اعلامیه‌های فوق‌الذکر از اعلامیه 1981 امحای هرگونه نابرد باری و تبعیض مبتنی بر مذهب و یا عقیده»¹² به عنوان سندی مهم در زمینه حمایت از حقوق اقلیت‌ها در منشور سازمان ملل متحد باید نام گرفت که در راستای حمایت، بهبودی و رفع تبعیض از حقوق اقلیت‌ها فعالیت دارند.

ب- منابع خاص

آن دسته از اسناد عمومی حقوق بشری که به صورت کلی جهت تأمین حقوق ابناء بشر فعالیت می‌کردند در ابتدا تصور می‌شد علاوه بر حقوق تمام افراد بشر حقوق خاص اقلیت‌ها نیز تأمین خواهد شد. متأسفانه این امر در عمل نتوانست

¹² سید فاطمی، سید محمد قاری، حقوق بشر در جهان معاصر، جستارهایی تحلیلی از حق و آزادیها، موسسه مطالعات و پژوهشهای حقوقی، شهردانش، چاپ اول، 1388، ص، 409.

از حقوق خاص اقلیتها در حقوق بین‌الملل حمایت و تأمین نمایند. تاریخ شاهد این مسئله است که بعد از آن حقوق اقلیتها به گونه فاحش از سوی دولت‌ها نقض می‌شد و حتی برخی رژیم‌های مستبد نه تنها حق و حقوق برای اقلیت قایل نبودند بلکه آنها را سعی برای از بین بردن هویت‌شان می‌کردند. لذا اینجاست که سازمان ملل متحد برای تأمین بهتری حقوق اقلیتها سندی جداگانه برای حمایت از اقلیتها به تصویب مجمع عمومی برساند. مهترین و اساسی‌ترین سند بین‌الملل در زمینه حقوق خاص اقلیتها «اعلامیه حقوق اشخاص متعلق به اقلیت‌های ملی یا قومی، دینی، یازبانی» است که در دسامبر 1992 به تصویب مجمع عمومی سازمان ملل متحد رسیده است. البته در این عرصه ممکن است اسناد متعدد وجود داشته باشد ما در اینجا به عنوان مثال از اعلامیه حقوق اشخاص متعلق به اقلیت‌های ملی یا قومی، دینی یا زبانی نامبرده ایم.

مبحث - چهارم انواع اقلیت

در این مبحث به انواع اقلیتها پرداخته شده اند بدیهی است که اقلیت‌های متخلف وجود دارند. لذا فرصت نیست که همه آنها را مورد مذاقه و بررسی قرار بدهیم تنها به سه نوع از اقلیت می‌پردازیم که عبارت‌اند از اقلیت نژادی، زبانی، و دینی هر کدام جداگانه مورد کنکاش قرار می‌دهیم.

الف- اقلیت نژادی

اقلیت نژادی عبارت از گروهی انسانی است که بانژاد و یا نسب متفاوتی اکثریت جامعه فرق می‌گردد. این دسته از اقلیتها به عنوان قدیمی‌ترین نوع اقلیتها از قرون گذشته مورد حمایت قرار گرفته‌اند و رعایت مهم‌ترین حقوق آنها که حق برابر با اکثریت و حق حفاظت از آنها در برابر نسل‌کشی است، جنبه عرفی پیدا کرده است، در عصر امروزی میان اسناد بین‌الملل به عنوان مثال کنوانسیون «رفع هر نوع تبعیض نژادی (1965) از جمله مهم‌ترین کنوانسیون‌ها در

زمینه حمایت از اقلیت‌های نژادی است. از دیگر حقوق این اقلیت‌ها حفظ فرهنگ و ویژگی‌های سنتی خود و تکلیف دولتها در جهت حفظ فرهنگ و سنن اینان است در ماده 31 کنوانسیون مربوط به افراد متعلق به گروه‌های بومی و قبیله‌ای (1989) آمده که کتب تاریخ اقلیت‌ها باید بر اساس واقعیات تاریخی، اجتماعی و فرهنگی آنها باشد»¹³.

اما با وجود این که احترام به حفظ فرهنگ و حقوق اقلیت‌ها نژادی که در حقوق بین‌الملل دارای جنبه عرفی است، متأسفانه در جهان شاهد نسل‌کشی و نقض حقوق اقلیت‌ها نژادی را هستیم بحران یوگسلاوی و مسئله کشوری بوسنی یکی از موارد حاد نسل‌کشی در ابتدای دهه 90 میلادی بود علاوه بر آن در بحران کوزوو (1999) نیز ما شاهد یک نسل‌گسترده بودیم.

ب- اقلیت زبانی

آنچه امروز به عنوان اقلیت زبانی مطرح است از ابتدا چنین مفهوم وجود نداشت یعنی اقلیت به نام اقلیت زبانی مشاهده نمی‌شدند و ناشناخته بودند، کسانی که زبانی متفاوت از سایر اعضای جمعیت کشور داشتند، آنها را بعنوان اقلیت تلقی نمی‌کردند، تادر راستای حمایت از آنها کار صورت گیرند حمایت از اقلیت‌های زبانی را باید از قرن 19 به بعد باید دانست «تا قبل از قرن بیستم کسانی که دارای زبانی متفاوت از بقیه جمعیت کشور بودند به عنوان اقلیت محسوب نمی‌گردید تانیازی به حمایت از آنها وجود داشته باشد، از قرن 19 به بعد زبان‌هایی که به وسیله دولتها حمایت می‌شدند کم کم رو به گسترش گذاشته و غیر از حمایت‌های دولتی، حمایت‌های فکری در قالب ناسیونالیسم و لیبراسیم نیز راه را بر این گسترش هموار تر نمود. در

¹³ لسانی، حسام الدین، جایگاه اقلیت‌ها در حقوق بین‌المللی بشر (آخرین دستاورد ها)، اندیشه حقوقی، سال اول، شماره سوم، بهار و تابستان 1382، ص، 18.

این میان دو عامل سبب گسترش یک زبان به عنوان زبان استاندارد دولتی (زبان رسمی) گردید یکی اجباری شدن تحصیلات در برخی کشورها و دیگر جهانی شدن خدمت اجباری نظامی در این زمان حمایت از اقلیت‌های زبانی صرفاً محدود به کلیساها آنهم کلیسای کاتولیک بود»¹⁴

تا این زمان حمایت از اقلیت‌های زبانی بسیار اندک و محدود بودند اما در مرور زمان توسط سازمان ملل اسنادهای فراوان به حمایت از اقلیت‌ها پرداختند و همچنین نیز اقلیت‌ها را شناسایی نمود بخصوص اعلامیه 18 دسامبر 1992 مجمع عمومی گامی عظیم در جهت شناسایی حقوق اقلیت‌ها و حمایت از آن توسط حقوق بین‌الملل به شمار می‌رود چنانچه در متن اعلامیه آمده اند: ماده (1) «کشورها باید از بقا و هویت ملی یا قومی، فرهنگی، دینی و زبانی اقلیت‌ها در داخل سرزمین‌های خود حمایت و ایجاد شرایط برای ترویج این هویت را تشویق کنند...» ماده (2) «اشخاص متعلق به اقلیت‌ها» اشاره می‌شود) حق دارند از فرهنگ خود برخوردار شوند، دین خود را ابرازکنند و مراسم آن را به جا آورند، و زبانی مادری خود را به کار برند و به آن تکلم کنند، در محافل خصوصی و در ملاعام، آزادانه و بدون مداخله یا هر شکل از تبعیض»¹⁵ بنابر این برای حمایت و شناسایی اقلیت زبانی سازمان ملل متحد سعی و تلاش زیاد نمود که نتیجه آن ماده (27) کنوانسیون حقوق مدنی و سیاسی و ماده (1-2) اعلامیه حقوق اشخاص متعلق به اقلیت‌های ملی، دینی و

¹⁴لسانی، حسام الدین، جایگاه اقلیت‌ها در حقوق بین‌المللی بشر (آخرین دستاوردها)، اندیشه حقوقی، سال اول، شماره سوم، بهار و تابستان 82، ص، 15.

¹⁵اعلامیه حقوق اشخاص متعلق به اقلیت‌های ملی یا قومی، دینی و زبانی، مصوب مجمع عمومی 18 دسامبر، 1992.

زبانی مصوب مجمع عمومی سازمان ملل به حمایت و معرفی آن پرداخته است.

ج- اقلیت دینی و مذهبی

اقلیت‌های دینی و مذهبی گروهی انسانی است که به موجب آداب و اعمال دینی و مذهبی شان با گروه اکثریت جامعه تمیز داده می‌شود. اقلیت‌های دینی و مذهبی «از قدیمی‌ترین انواع اقلیت‌های شناخته شده و مورد حمایت قرار گرفته توسط دولت می‌باشند، جنگ‌های صلیبی بعنوان یکی از عوامل مهم در برخورداری ادیان، سبب سکونت اقلیت مسلمان در کشورهای مسیحی و اقلیت مسیحی در کشورهای مسلمان گردید. تعیین خطوط مرزی در پی جنگ‌های طولانی نیز حد اقل در اروپا سبب دور افتادن پیروان مذاهب از یکدیگر گردید. بدین صورت که سبب سکونت کاتولیک‌ها در کشورهای پروتستان و پروتستان‌ها در کشورهای کاتولیک گردید تحولات شبیه همین مسئله در کشورهای اسلامی، قرار گرفتن شیعه در کشورهای سنی مذهب (پاکستان) و اهل سنت در کشورهای شیعه مذهب (مثل ایران) گردید حق حیات، حق اشتغال و حق سکونت از ابتدایی‌ترین حقوق در نظر گرفته شده برای اقلیت‌های مذهبی طبق معاهدات چند قرن پیش است. اندک اندک با گذشت زمان، حق انجام مراسم و مذهبی و حق استخدام عمومی پیروان مذاهب اقلیت نیز شناسایی شد.»¹⁶

باید گفت اقلیت‌های دینی و مذهبی در گذشته از حمایت جهانی و بین‌المللی برخوردار نبودند، نقطه آغازین برای حمایت از اقلیت‌ها در سطح حقوق بین‌الملل اعلامیه‌ای جهانی حقوق بشر تلقی نمود ماده (18) اعلامیه حقوق بشر در این زمینه چنین بیان می‌کند: «هر کس حق دارد که از آزادی عقیده، وجدان و دین بهره‌مند شود. این حق متضمن آزادی

¹⁶لسانی، حسام الدین، جایگاه اقلیت‌ها در حقوق بین‌المللی بشر (آخرین دستاوردها)، اندیشه حقوقی، سال اول، شماره سوم، بهار و تابستان 1382، ص، 14.

تغییر مذهب یا عقیده و همچنین متضمن آزادی اظهار عقیده و ایمان می‌باشد و نیز شامل تعلیمات دینی و اجرای دینی است. و هر کس می‌تواند از این حقوق منفرداً یا مجتمعاً به طوری خصوصی و یا به طور عمومی برخوردار شوند.¹⁷ علاوه بر این کنوانسیون حقوق مدنی و سیاسی نیز در ماده (18) خود اشاره به این موضوع دارند :

«1- هرکس حق آزادی اندیشه، عقیده و مذهب دارد. این حق شامل اختیار و آزادی در پذیرش یک مذهب و یا عقیده‌ای، به انتخاب خود است. هم چنین هرکسی، در بیان آشکار مذهب یا عقیده خود به طوری فردی یا گروهی آشکارا یا در نهان و نیز انجام تعلیمات مذهبی خود اختیار و آزادی دارد. 2- در این موارد، هیچ کس نباید بازور و اجبار (رو بروگرد) و نیز نباید به آزادی او در پذیرش یک مذهب یا عقیده ای که بر اساس انتخاب خودش انجام گرفته است . آسیب رساند. 3- در صورت مکن است آزادی بیان، مذهب یا اعتقادات کسی محدود گردد که به موجب قانون آنهم در جهت حفظ امنیت عمومی، نظم، سلامتی اخلاق یا حقوق و آزادیهای اساسی دیگران، پیش بینی شده باشد. 4- کشورهای عضو این میثاق، متعهد می گردند که آزادی والدین و سرپرستان قانونی را در مورد آموزش مذهبی و اخلاقی کودکانشان و مطابق با عقاید شان محترم شمارند.»¹⁸ و بعد از آن جهت حمایت از اقلیتها سازمان ملل متحد اعلامیه را تحت نام «اعلامیه حقوق اشخاص متعلق به اقلیت‌های ملی، یا قومی، دینی و زبانی» در قطعنامه 47/135 مورخ 18 دسامبر 1992 به تصویب رسان که در ماده اول و دوم آن چنین آمده اند: ماده (1) «کشورها باید ا زبقا و هویت ملی یا قومی، فرهنگی، دینی و زبانی اقلیتها در داخل سرزمین های خود حمایت و ایجاد شرایط برای ترویج این هویت را تشویق کنند...». ماده (2) « اشخاص متعلق به

¹⁷ماده 18 اعلامیه جهانی حقوق بشر، مصوب مجمع عمومی سازمان ملل متحد 1948.

¹⁸کنوانسیون حقوق مدنی و سیاسی، مصوب مجمع عمومی سازمان ملل متحد، 1966.

اقلیت‌های ملی یا قومی، دینی و زبانی (که پس از این به آنان با عنوان «اشخاص متعلق به اقلیت‌ها» اشاره می‌شود) حق دارند از فرهنگ خود برخوردار شوند، دین خود را ابرازکنند و مراسم آن را به جا آورند، و زبانی مادری خود را به کار برند و به آن تکلم کنند، در محافل خصوصی و در ملاعام، آزادانه و بدون مداخله یا هر شکل از تبعیض

در نتیجه باید گفت که حمایت از اقلیت‌ها قبل از روی کار آمدن سازمان ملل متحد دامنه‌ای شمول آن بسیار محدود بود اما با گذشت زمان توسط مجمع عمومی سازمان ملل متحد اسناد متعدد جهت حمایت از حقوق بشر و اقلیت‌ها به تصویب رسیدند که حمایت حقوق بین‌الملل به همراه دارند.